

۱۲ دورنما

دکتر سید نعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده



نگاهی به عملکرد هشت ساله رئیس‌جمهور چهل و چهارم امریکا

روّیاهای بر باد رفته اوباما

شرکت سوئدی اسپاتیفای در صفحه‌ی استخدام خود به شوخی یک آگهی را منتشر کرده تا باراک اوباما چند روز دیگر بعد از ترک کاخ سفید، شغلی در این غول موسیقی در فضای مجازی داشته باشد. یکی از شرایط این شغل داشتن «هشت سال تجربه اداره یک کشور معتبر» و «جایزه صلح نوبل» است که اوباما این شرایط را دارد و دانیل داک، مدیر عامل اسپاتیفای هم بعد از درج این آگهی در پیام توییتهٔ به اوباما خطاب کرده: «شنیدم علاقه‌مندید در اسپاتیفای مشغول شوید. این شغل را شنیده‌اید؟» هر چند که این یک شوخی است اما سخنان خود اوباما و دیگر مقام‌های ارشد دولتش در این روزهای پایانی بیشتر حکایت از این دارد که او دغدغهٔ توجیه کارنامه دو دوره ریاست جمهوری‌اش را دارد تا بعد از ترک کاخ سفید مشغول به چه کاری شود. نمونه این دغدغه در سخنرانی وداع اوباما دیده شد که او بر خلاف سنت رُوسای جمهور سابق، سخنرانی خود را نه با پیام تلویزیونی بلکه با رفتن به شیکاگو و در یک مراسم عمومی ایراد کرد.

روّیای برابری نژادی

«روّیای دارم» نام یک سخنرانی ۱۷ دقیقه‌ای است که مار تین لوئر کینگ در ۲۸ اوت ۱۹۶۵ برابر بنای پادبود لیتکلن برای هزاران سیاهپوستی ایراد کرد که در اعتراض به نژادپرستی حاکم بر امریکا در شهر واشنگتن دی‌سی جمع شده بودند. کینگ در این سخنرانی با تکرار روّیای دارم از وعده‌های عمل نشده حاکمان امریکا به برابری نژادی و امیدش به روزی می‌گوید که دیگر رنگ پوست مایه تبعیض بین شهروندان امریکایی نشود. اوباما سه دهه بعد از آن سخنرانی مشهور کنایی به نام «روّیاهای پدرم: حکایت از نژاد و میراث» را منتشر کرد که هر چند شرح حال زندگی شخصی‌اش بود اما مضمون آن دور از سخنان کینگ نبود چنان که در جایی از این کتاب شکایت عموزاده شش ساله همسرش را نقل می‌کند که همکلاسی‌هایش حاضر نیستند در کلاس یا با بازی

۱۲ رویکرد
احمد شافق‌زاده

روز یک‌شنبه ۲۶ دی ماه منابع اسرائیلی از حمله‌ای خبر دادند که یک عرب فلسطینی با استفاده از کامیون خود انجام داده و چهار نظامی این رژیم را کشته و ۱۶ نفر دیگر را زخمی کرده‌است. در اینکه زمینه‌های یک چنین حملاتی در فلسطین آماده است هیچ تردیدی وجود ندارد و روند تحولات در سرزمین‌های اشغالی به سستی پیش می‌رود که توسل فلسطینی‌ها به هر گونه واکنش تلافی‌جویانه و تلافعی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. زیرا رژیم صهیونیستی سیاست‌های اشغال خرنده که طی چنددهه گذشته به‌طور مداوم انجام داده را اکنون تقریباً به آخر خط رسدنه و در واقع این رژیم می‌خواهد تیر خلاص را به مسئله فلسطین شلیک کند و هر پنج مسئله حیاتی‌اش شامل: آوارگان، بیت‌المقدس، مرزها و تشکیل دولت فلسطینی، آب‌ها و شهر کهای صهیونیست‌نشین را به نفع خود تمام کند و فلسطینی‌ها را در برابر عمل انجام شده قرار دهد. از این دید به نظر می‌رسد دولت افراطی نتانیاهو سرسرمایه‌گذاری خاصی روی دولت جدید امریکابه ریاست جمهوری دونالد ترامپ و همچنین کنگره این کشور باز کرده که اکثریت آنها را جمهور‌یخواهان تشکیل می‌دهند. بر این اساس می‌توان گفت روند تحولات در فلسطین به سستی پیش می‌رود که درگیری‌ها را اجتناب‌ناپذیر می‌کند و در چند سال گذشته نیز وضعیت به گونه‌ای بود که هر آن تصور را ایجاد می‌کرد که گویا فلسطین عن‌قریب وارد انتفاضه جدید می‌شود و بر همین اساس هم چندبار محافل رسانه‌ای و سیاسی از آغاز انتفاضه جدید خبر دادند. اینکه در فلسطین چنین حرکت‌های تلافعی و تلافی‌جویانه‌ای آغاز شود با فلسطینی‌هایانامیدی از گروه‌های فلسطینی‌ها به عملیات‌های فردی روی آوردن دور از انتظار نیست و شرایط بفرنج حاکم بر فلسطین این اقدامات را اجتناب‌ناپذیر می‌کند و اگر این شرایط بر هر جای دیگر حاکم می‌شد باز این واکنش‌ها را به‌طور طبیعی یا خود می‌آورد. بنا بر این نمی‌توان از حملاتی مانند روز یک‌شنبه چندن تعبج کرد و چه بسا می‌توان گفت که سکوت و انفعال در قبال وضعیت حاکم در فلسطین تعجب‌برانگیز است بااین‌حال مواردی حول و حوش این حمله و حملات مشابه گذشته وجود دارد که آن را قابل تأمل می‌سازد. یکی

بکنند چون پوستی تیره دارد. اوباما در ۳۳ سالگی وزماتی این کتاب را منتشر کرد که به عنوان اولین سیاهپوست، رئیس بخش بررسی قوانین دانشگاه هاروارد شده بود و شاید در آن موقع فکر ورود به کاخ سفید را هم نمی‌کرد. با وجود این، او ۱۴ سال بعد نخستین سیاهپوستی بود که به عنوان چهل و چهارمین رئیس‌جمهور امریکا وارد کاخ سفید شد و رسیدن او به مقام ریاست جمهوری امریکا امیدهای زیادی در امریکا به وجود آورد که زمان رفع تبعیض نژادی فرا رسیده است و صحبت از «امریکای پس‌نژادپرستی» می‌شد.

حالا اوباما در شیکاگو در سخنرانی خداحافظی‌اش معترف به تبعیض نژادی است و آن صحبت‌های هشت سال قبل در مورد «امریکای پس‌نژادپرستی» را غیر واقع‌گرایانه می‌خواند و می‌گوید: «واقعیت این است که نژادپرستی در امریکا هنوز به عنوان یک عامل تفرقه‌طرحر است.» او در کتاب «روّیاهای پدرم» می‌نویسد: «هنوز وقتی به دانستان زندگی خانواده‌ام فکر می‌کنم، آنچه بیشتر مرا برمی‌انگیزد از بین رفتن معصومیت است؛ معصومیتی که حتی سا میام‌های کودکانه قابل تصور نیست.» سخنان او در سخنرانی خداحافظی‌اش نه تنها نشان می‌دهد که گامی به سوی امریکای پس‌نژادپرستی بر نداشت بلکه نتوانسته اقدامی برای بازگرداندن معصومیتی به جامعه امریکایی بکند که سال‌ها قبل در حسرت فقدانش بود. واقعیت این است که آمار کشتار سیاهپوستان و به‌خصوص قتل سیاهپوستان به دست پلیس امریکا در زمان ریاست جمهوری او اگر نسبت به رُوسای جمهور سابق بیشتر نبوده دست کم آن قدر بوده که صدای اعتراض سیاهپوستان را بلند کند و امریکا شاهد گسترده‌ترین شورش‌های علیه نژادپرستی بعد از بحران‌های دهه ۷۰ باشد. اوباما در برابر اعتراض‌ها و شورش‌ها تنها به همدردی لفظی اکتفا کرد و به جای انجام کاری برای مبارزه با نژادپرستی، از آن اعتراض‌ها و شورش‌ها برای هدفش در مورد کنترل فروش سلاح

جهان

سرسوسین‌الملل ۸۸۴۹۸۴۴

کرده و بازار مسکن را سر و سامان داده تا قیمت متوسط مسکن به نرخ قبل از بحران در ۲۰۰۶ برسد. با وجود این موفقیت‌ها، مسئله اصلی این است که او با چه هزینه‌ای این موفقیت‌ها را به دست آورده است؟ او از نابرابری اقتصادی به عنوان یکی از چالش‌های اصلی امریکا گفته اما باید توجه داشت که افزایش نابرابری هزینه‌ای است که مردم امریکا برای سیاست‌های اقتصادی و اقتصاد و استاد دانشگاه کلمبیا، در مصاحبه با تارنمای اتلانتیک، موفقیت‌های اواما را تأیید می‌کند و می‌گوید که «تولید ناخالص داخلی قسطنث مجموع خروجی یک اقتصاد را نشان می‌دهد اما نمی‌گوید که چه مقدار از آن به جیب چه کسی می‌رود. این اقتصاددان معتقد است که در طول سه سال اول سیاست‌بازبایی اقتصادی امریکا، ۹۱ درصد از درآمد به یک درصد بالایی رسیده و ۹۹ درصد باینی جامعه هیچ چیز احساس نکردند. در واقع، ظهور جنبش اعتراضی اشنگال وال استریت یا جنبش ۹۹ درصدی پاسخی به ظهور بحران اقتصادی در دولت جورج بوش نبود، بلکه پاسخی بود به بسته نجات اقتصادی اواما که باعث فره‌تر شدن یک درصد فقیر مالدن ۹۹ درصد جامعه شده است. علاوه بر این، باید به میزان بدهی توجه کرد که اواما برای این خدمت به یک درصد مرفه برای کل جامعه امریکا به بار آورده است. بدهی دولت امریکا در ابتدای ۲۰۰۹ یا زمانی که اواما زمام‌امور را به دست گرفت کمی بیش از ۱۰ هزار میلیارد دلار بود و حالا که او کاخ سفید را ترک می‌کند، این میزان به ۲۰ هزار میلیارد دلار می‌رسد. او با این میزان بدهی لقب دهکارت‌ترین رئیس‌جمهور امریکا را به دست آورده، لقبی که خوش‌ایند او نیست و حاضر نیست کلمه‌ای در مورد آن بگوید. در واقع، موفقیت‌های اقتصادی اواما را باید با این دو معیار از میزان نابرابری اقتصادی و نرخ بدهی عمومی سنجید تا معلوم شود که برای کسب این موفقیت‌ها چه هزینه هنگفتی را به جامعه امریکا تحمیل کرده است.

روّیای رهبری

یکی از اصلی‌ترین روّیاهای امریکایی داشتن رهبری است که بتواند مقام‌نخست‌امریکا را چه در داخل چه در خارج از این کشور حفظ کند. شاید اوباما در مقایسه با دیگر رُوسای جمهور امریکا بهترین زبان و سخنرانی را داشته باشد اما رهبری هشت ساله او چیزی نبوده که متناسب با روّیای رهبری در امریکا رهبری. مسئله اصلی فقط محدود به انتقادهایی نمی‌شود که رقیبای جمهور‌یخواه نسبت به رهبری او در طول این هشت سال داشته‌اند، بلکه مسئله در داخل حزب دموکراتی است که ضعف رهبری او در امر حزب و در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری هشتم‌نومبر نمودار نمود. او در هفته‌های باقی‌مانده به این انتخابات به صورتی تمام‌قد به حمایت از هیلاری کلینتون پرداخت که نماینده نهایی دموکرات‌ها در برابر دونالد ترامپ و جمهور‌یخواهان بود. شکست هیلاری از ترامپ در آن انتخابات تنها شکست او نبود بلکه باید شکست اواما هم دانست که نتوانست جبهه‌ای متحد در داخل حزب علیه ترامپ ایجاد کند. این ناتوانی در رهبری ژر تأثیر خود را در سه ایالت کلیدی ویسکانسین، مینهسوتا و پنسیلوانیا نشان داد که دموکرات‌ها اغلب پیروز این سه ایالت بودند اما این بار ترامپ و جمهور‌یخواهان رأی این سه ایالت را به دست آوردند تا پیروز نهایی انتخابات بشوند. این جدایی از نارضایتی داخل حزب در مورد خیانت به برنی سندرز بود که اواما نتوانست این نارضایتی را برطرف کند و برعکس، از چنان از هیلاری حمایت کرد که تمام امید‌های این نارضایان را به باد داد. در هر حال، اواما بعد هشت سال کارنامه‌ای به جا گذاشته و سعی می‌کند تا خود را موفق نشان بدهد اما نگاهی گذرا به محورهای کلیدی نژادی، اقتصادی و رهبری نشان می‌دهد که او در این هشت سال روّیاهای امریکایی‌ها را به باد داده تا گامی به سوی تحقق آنها برداشته باشد.

بازگشت فلسطین از حاشیه به متن

از این نکات قابل تأمل، بهره‌برداری سیاسی است که دولت نتانیاهو از این حمله انجام داد. این حمله درست یک هفته قبل از تشکیل کنفرانس بین‌المللی صلح فلسطین در پاریس صورت گرفت که در راستای قطعنامه اخیر شورای امنیت مبنی بر محکومیت شهر کسازى در ارضی اشغالی سال ۱۹۶۷ از جمله کرانه باختری و لزوم تشکیل دولت فلسطین بر گزار می‌شود و قرار است نمایندگان بیش از ۷۰ کشور جهان در آن حضور یابند و احتمال دارد مصوبات آن به پیش‌نویس متن جدید برای تصویب در شورای امنیت تبدیل شود. این مصوبات و نشست‌ها درست در آستانه انتقال قدرت در امریکا صورت می‌گیرد که اوضاع سیاسی را به نفع راستگرایان حاکم بر فلسطین اشغالی تغییر داده‌است و بر همین اساس یکی از اهدافی که در این نشست‌ها دنبال می‌شود این است که چارچوب‌هایی تعیین شود که دست راستگرایان صهیونیستی را برای فرصت‌طلبی از جابه‌جایی قدرت در امریکا ببندد یا حداقل محدودیت‌هایی برای آن ایجاد کند. بر همین اساس راستگرایان صهیونیستی به رهبری نتانیاهو با خشم تحت‌تحرک سیاسی اخیر در شورای



۱۲ رویکرد
دکتر سیدرضا میرطاهر

چشم‌انداز تیره دستگاہ اطلاعاتی پیش روی امریکا

در آستانه روی کار آمدن دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری منتخب امریکا در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷، هشدارهای زیادی به وی چه از جانب مقامات خارجی مانند نامه اخیر رُوسا و مقامات ۱۶ کشور از ویای شرقی درباره سیاست وی در قبال روسیه و چه از سوی مقامات داخلی امریکا داده شده است، اما جدیدترین و جدی‌ترین هشدار از سوی نهادهای اطلاعاتی امریکارا نه شده‌است که متضمن ترسیم آینده‌ای ناخوشایند و دلپره‌آور برای امریکاست.

گزارش جدید

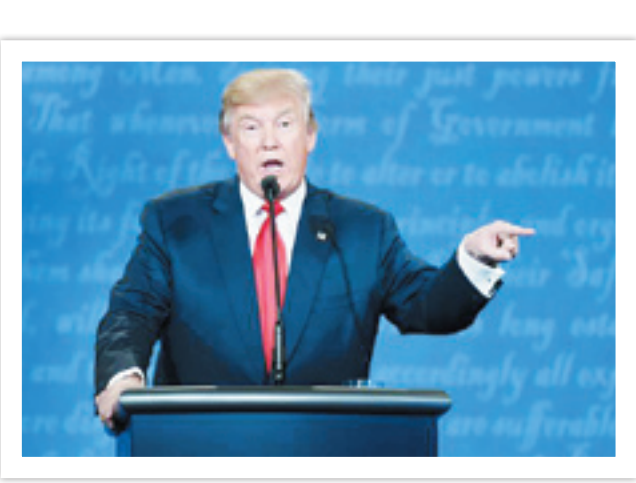
شورای ملی اطلاعات امریکا (NIC) روز دوشنبه ۲۰ دی گزارش جدیدی را تحت عنوان «روندهای کلی: تناقض پیشرفت» منتشر کرد. شورای ملی اطلاعات داده‌های گروه تحقیقاتی است که تحت نظارت و سرپرستی اداره اطلاعات ملی امریکا (DNI) که خود مسئولیت ایجاد هماهنگی میان ۱۶ اژانس اطلاعاتی امریکارا بر عهده دارد فعالیت می‌کند. این شورا هر چهار سال یک بار که با یک دوره ریاست جمهوری در امریکا همراه است، چنین گزارش‌هایی منتشر می‌کند. این گزارش که لحنی آخرازمانی دارد سه روز پس از گزارش دیگری منتشر شده که جامعه اطلاعاتی امریکا در خصوص دخالت‌های روسیه در امور داخلی امریکا منتشر کرد.

مفاد و محورها

بررسی مفاد و محورهای گزارش شورای ملی اطلاعات امریکا و هشدارهایی که به ترامپ داده، می‌تواند راهنمای مفیدی در زمینه نحوه ادراک این نهاد اطلاعاتی از چالش‌ها و مسائلی باشد که امریکای دوره ترامپ با آنها مواجه خواهد شد. در این گزارش هشدار داده شده که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور منتخب این کشور با خطر فزاینده مناقشات بین‌المللی و تضعیف ارزش‌های دموکراتیک در جهان که از زمان جنگ سرد سابقه نداشته است، مواجه خواهد شد. همچنین در آن تصریح شده که با توجه به تحولات اقتصادی و سیاسی، تغییرات فناوری و همچنین تضعیف رهبری امریکا در جهان می‌توان آینده تاریک و دشواری را در دوره ریاست جمهوری ترامپ برای امریکا پیش‌بینی کرد. طبق این گزارش، در پنج سال آینده تنش‌های زیادی در داخل کشورها و میان کشورها شکل خواهد گرفت. با این حال چه در بهترین یا بدترین حالت، چشم‌اندازی که در پنج سال آینده در جهان شکل خواهد گرفت، عصر سلطه امریکارا در دوره پسا جنگ سرد به پایان خود نزدیک خواهد کرد. در واقع با بررسی این گزارش می‌توان دریافت که حتی عالی‌ترین نهاد اطلاعاتی امریکا نیز به چالش‌های بزرگی که امریکا در عرصه جهانی با آنها مواجه‌است اذعان دارد. این دقیقاً بر خلاف وعده‌هایی است که ترامپ در دوره مبارزات انتخابات ریاست جمهوری و پس از آن درباره تجدید شکوه و اقتدار امریکا به مردم این کشور داده است. این چالش‌ها را می‌توان تحت عناوینی مشخص یعنی اختلاف شدید سطح درآمدها و به عبارت دیگر تشدید شکاف طبقاتی، جابه‌جایی‌های جمعیتی، تغییرات آب و هوایی و تشدید مناقشات طبقه‌بندی کرد. شورای ملی اطلاعات امریکا هشدار داده‌است که هر چند دولت آینده امریکا مأموریت نظم‌بخشی به هرح و مرج کنونی در جهان را بر عهده دارد، اما این کار در کوتاه‌مدت هزینه‌های بالایی خواهد داشت و این راهبرد در درازمدت به شکست منجر خواهد شد. با توجه به این شرایط، همکاری بین‌المللی و اداره امور ملی و بین‌المللی برای دولت ترامپ با دشواری افزون‌تری مواجه خواهد بود.

سوریه و ترورریسم

در واقع رئیس‌جمهور جدید امریکا که ۲۰ ژانویه سوگند یاد خواهد کرد، چند پرونده حساس و دشوار بین‌المللی از جمله بحران سوریه و مبارزه با گروه‌های تروریستی تکفیری را از دولت اواما به ارث خواهد برد. در عین حال از نظر روسیه، دولت باراک اوباما رئیس‌جمهور امریکایمى کوشد قبل از تصدی دونالد ترامپ بر سمت ریاست جمهوری، اوضاع جهانی را پیچیده کند. از دیدگاه مسکو، اواما سعی دارد با پیشبرد برنامه‌های مد نظرش درباره بحران‌های جهانی، سیاست خود را بر دیگر کشورها به ویژه روسیه دیکته کند و دولت بعدی جمهور‌یخواه امریکا به ریاست ترامپ را نیز در موارد بسیاری در مقابل عمل انجام شده قرار دهد، به نحوی که دولت ترامپ چاره‌ای جز ادامه سیاست دولت اواما نداشته باشد. یکی از مهم‌ترین موارد در این زمینه، برده سوریه است. اواما همواره بر کنار رفتن دولت سوریه و روی کار آمدن دولتی جدید اروز و روزهای است. در این زمینه، امریکا در سال‌های اخیر



سیاست حمایت همه‌جانبه از گروه‌های تروریستی را، که آنها را میانه‌رو می‌خواند، دنبال کرده است. با این حال اکنون با شکست‌های بزرگ گروه‌های تروریستی در شرق حلب، اواما عزم خود را برای تحویل تسلیحات پیشرفته به گروه‌های تروریستی جزم کرده‌است. مسکو نگران آن است که با توجه به چشم‌انداز بهبود توجه روابط روسیه و امریکا در دوره ترامپ و استقبال پوتین و ترامپ از آن، اواما تمام تلاش خود را برای ایجاد بن‌بست در روابط این دو کشور انجام دهد، به نحوی که اوضاع را برای واشنگتن و مسکو برگشت‌ناپذیر سازد. به‌رغم این سناریو اکنون شاهد آن هستیم که ترامپ به عنوان رئیس‌جمهوری منتخب امریکا با موضع‌گیری‌هایی که در قبال متحدان غربی خود به ویژه در اروپا و نیز در قبال چین به عنوان رقیب اصلی اقتصادی امریکا انجام داده، از هم‌اکنون چشم‌انداز روابط واشنگتن با بروکسل و پکن را تیره ساخته‌است.

جمع‌بندی

در عین حال در انتهای این گزارش پیش‌بینی بدبینانه‌ای درباره آینده حکومت‌داری در جهان صورت گرفته است. به گمان نویسندگان آن، هر چند مردم در کشورهای مختلف از دولت‌های خود خواهان امنیت، آبادنی و پیشرفت هستند اما پیش‌بینی‌ها در این زمینه‌ها کاملاً بر خلاف این خواسته‌ها خواهد بود. به عبارت دیگر میزان حقوق و درآمدها افزایش نخواهد یافت، بی‌اعتمادی تشدید خواهد شد و در عین حال قلب‌بندی و چالش‌های جدید، کارایی دولت‌ها را برای عمل به تعهدات خود بر آورده کردن مطالبات مردم خود تضعیف خواهد کرد. در مجموع گزارش شورای اطلاعات ملی امریکانه فقط چشم‌انداز کاملاً بدبینانه‌ای از وضعیت آینده جهان در پنج سال آتی ارائه می‌دهد، بلکه به‌طور غیرمستقیم توانایی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور منتخب امریکارا در عملی کردن وعده‌هایش زیر سؤال برده است.

۱۲ کاریکاتور



ترورریسم سعودی اولین چالش ترامپ در خاورمیانه

منبع: تسنیم